

همبستگی با جنبش دمکراتیک سوریه، بر علیه صدور اسلحه و دخالت نظامی

مصاحبه با کریستینه بوخ هولز سخنگوی حزب چپ آلمان در باره ^x اوضاع سوریه

Die Freiheitsliebe Christine Buchholz – برگردان ناهید جعفرپور

در سوریه جنگ داخلی حاکم است و احزاب قانونی بنظر می رسد که بر سر این توافق دارند که تنها راه حل وارد کردن تسلیحات است. در میان چپ های سرتاسر جهان هم همچنین بحث های متفاوت در باره راه حل های ممکن در جریان است. ما در این باره با سخنگوی سیاست صلح حزب چپ آلمان خانم کریستینه بوخ هولز به گفتگو می پردازیم:

پرسش: برای چه در آلمان از جنبش صلح با وجود تهدید به جنگ علنی بر علیه سوریه اما چیز زیادی شنیده نمی شود؟

پاسخ: برای این پرسش دو دلیل وجود دارد. اول اینکه از سوی دولت آلمان تا کنون آشکارا سوریه تهدید به جنگ نشده است. دولت آلمان در حال حاضر علاقه ای به یک مداخله نظامی ندارد. از این روی موضوع با مشکل جنگ افغانستان متفاوت می شود. دولت آلمان خواهان شدت دادن به تحریم هائی است که مردم را مورد هدف قرار می دهد. طبیعتاً دولت آلمان بر علیه تحریکات شرکای خود هم عملی انجام نمی دهد. برای مثال دولت آلمان زمانی که هواپیمای جنگی ترکیه وارد فضای هوائی سوریه شد که باعث تحریک یک جنگ مرزی شد، آلمان و شرکایش در ناتو از ترکیه حمایت کردند.

دومین دلیل این است که در باره سوریه مشکلی میان چپ ها و جنبش صلح آلمان وجود دارد. برخی به جنبش دمکراتیک سوریه بعنوان پنجمین ستون امپریالیسم غربی نگاه می کنند. به واقع هم رژیم سوریه یک دیکتاتور است که بخش اعظم مردم سوریه بر علیه اش قیام نموده اند. اگر جنبش صلح بدون ارتباط با جنبش دمکراتیک است پس سریعاً از این جنبش جدا می شود و از آنجائی که برنامه دولت آلمان از یک حمله نظامی بدور است در این صورت برخی از بحث ها هم بی نتیجه می مانند.

پرسش: ورنه پریکر از روزنامه یونگه ولت (دنیای جوان) به شما و دیگر چپ ها انتقاد نموده است که از تبلیغات جنگی دفاع می کنید. برای این موضع او چه زمینه هائی وجود دارد؟

پاسخ: من همیشه بر علیه دخالت های نظامی غربی ها بوده ام و از این روی انتقادات وی بمن بی مورد و بی پایه است. اما باید توجه نمود که بسیاری هنوز فکر می کنند که رژیم اسد رژیمی پیشرفته و مترقی است. یک چنین اعتقادی را من اصلا درک نمی کنم و قبول ندارم. زیرا که این رژیم به هیچ وجه پیشرفته و مترقی نیست. وجود تعداد بیشماری سرویس های امنیتی ده ها سال است که فضای سیاسی وحشت در سوریه برقرار نموده اند. همچنین خود اسد همواره به تشنج و انشعاب اجتماعی و دینی درون سوریه دامن زده و کمک نموده است.

یک چنین موضعی در تصویر رسانه های بورژوازی هم دیده می شود. به این صورت شورای ملی سوریه که هم طرفدار غرب است و هم از سوی ترکیه پشتیبانی می شود بعنوان تنها نماینده اپوزیسیون معرفی می شود. در حالیکه در کنار تعداد بیشمار کمیته های هماهنگی محلی همچنین گروه های دیگر اپوزیسیون مثل کمیته هماهنگی برای تغییرات دمکراتیک در سوریه هم وجود دارد - (ائتلافی از گروه های چپ و کردها).

شورای ملی سوریه آشکارا و با صدای بلند یک دخالت نظامی را تائید نموده است. این موضع در سوریه انعکاس زیادی ندارد. بدین دلیل هم در شورای ملی تا کنون بارها انشعاب رخ داده است. بخش دیگر اپوزیسیون که در کمیته هماهنگی ملی جمع شده اند و بروشنی بر علیه دخالت نظامی از خارج و در مقابل انشعابات مذهبی و خشونت موضع دارند، مورد توجه افکار عمومی نیست.

درست این است که حتی اگر ما همه مواضع اپوزیسیون را هم قبول نداشته باشیم و حتی اگر مشکل را در نظامی شدن این جنگ بدانیم اما از این اپوزیسیون دفاع کنیم. زیرا که تنها یک جنبش عمومی می تواند نه تنها اسد را سرنگون کند بلکه همچنین کل سیستمی را که دنباله رو و پشتیبان اسد است را براندازد.

درک درست این مسئله که جنبش ها چگونه شکل می گیرند و اینکه توسعه ای متناقض دارند، بنظر می رسد در بخشی از چپ ها وجود ندارد. این ایده پدر سالاری است که آدم تصورات خودش را یعنی توسعه مسائل در یک کشور را مثل یک التیماتوم بخواهد به یک جنبش تحمیل کند. ما می

توانیم از یک جنبش پشتیبانی کنیم و همزمان برخی از دیدها و نظریه‌هایمان را فرموله کنیم. اما باید گذاشت که جنبش ایده‌های خود را خود پیدا کند و همینطور هم خواهد شد. انسانهایی که به مجموعه جنبش در سوریه بعنوان عوامل غرب نگاه می‌کنند، در واقع توجه‌ای به ماهیت اصلی این جنبش ندارند.

پرسش: تو این درک مرا تائید کردی که بسیاری از چپ‌ها همه نیروهای کشورهای اسلامی را بعنوان نیروهای اسلامی تصور می‌کنند و همه آنها را زیر یک چتر می‌فرستند. موضعی که تو آنرا رد می‌کنی. اما برای چی این تصور در بخش بزرگی از چپ‌ها وجود دارد؟

پاسخ: برای این مسئله دلائل متفاوتی وجود دارد. همچنین در میان چپ‌ها گروه‌هایی وجود دارند که هنوز درون خود توهمات از اسلام دارند که عقب افتاده و برخلاف روشنگری است. بله چپ‌ها هم از این مسئله فارغ نیستند. اما زمانی که ما مثلا از اخوان المسلمین و سلفی‌ها در مقابل قلب انتخاباتی دفاع می‌کنیم این به آن مفهوم نیست که ما برنامه آنها را قبول داریم. یکی از فعالان مصر برای من از درگیری‌های خیابانی مصر تعریف می‌کرد و می‌گفت با مردی که با سلفی‌ها رابطه داشت در آنجا هم دوش در تظاهرات شرکت داشتند و او با این مرد در باره چشم اندازهای سیاسی صحبت نموده است و آن مرد در باره اشتباهاتی که جنبش سیاسی او به نظر او انجام داده و می‌دهد، صحبت کرده است. انسان باید همواره آماده باشد با انسانهای دیگر دیالوگ کند و تنها به این صورت تناقض‌های ایدئولوژی‌ها مشخص می‌شود. آگاهی همواره توسعه‌ای متناقض دارد. اگر این دیالوگ‌ها وجود نداشته باشد انسانها مواضع درستی نخواهند گرفت.

برخی از چپ‌ها یک درک مکانیکی از مذهب دارند. مارکس گفته است مذهب افیون توده‌هاست. مذهب به این سادگی هم ماده بی‌حسی نیست که آدمها را تغییر می‌دهد و دیوانه می‌کند. در زمان مارکس افیون ابزاری بود برای جلوگیری از درد. آدمها به دنبال این ابزار می‌روند چون آلترناتیو دیگری را نمی‌شناسند. اما از سوی دیگر همین انسانها در شرایط خاص سریعاً ایده‌های نوینی را دنبال خواهند نمود که راه خلاصی از رنج سرمایه‌داری را به آنها نشان می‌دهد. باور و اعتماد به جنبش‌ها و مبارزه طبقاتی باید هم در آلمان و هم در کشورهای عربی به وجود آید.

پرسش: تو از مثال مصر نام بردی. جایی که نیروهای اسلامی و چپ‌ها دوش بدوش مبارزه کردند. آیا این راه برای سوریه هم درست است که

همه نیروها با هم کار کنند؟

پاسخ: من فکر می‌کنم که راه حل باید در داخل سوریه شکل گیرد. نمی‌شود از خارج گفت چی درست است چی غلط. مشکل اینجا خواهد بود که اگر هر کدام از گروه‌ها از خارج تغذیه و پشتیبانی مالی بشوند. تعیین‌کننده این است که جنبش در داخل سوریه چه توسعه‌ای خواهد داشت. اما از سوی دیگر افرادی از اپوزیسیون بمن گزارش داده‌اند که در سوریه نیاز برای اتحاد وجود دارد و از آنجائی که انسانها در آنجا می‌دانند که رژیم بسیار قدرتمند است و یک جنبش تکه تکه شده قادر به هیچ تغییری نخواهد بود، لذا خواست اتحاد بالا است.

ما باید بروشنی بگوئیم که عربستان سعودی و قطر و یا دولت‌های غربی دوستان انقلاب نیستند و برای منافع مردم سوریه حرکت نمی‌کنند. صدور اسلحه به سوریه به مفهوم آتش به این جنگ افزودن است. ما باید بعنوان چپ صدای کسانی باشیم که در سوریه بر علیه دخالت نظامی هستند و با آنها در دیالوگ باشیم.

پرسش: آیا چپ‌ها این چشم انداز را دارند که روی مسئله صدور تسلیحات به سوریه متمرکز شوند؟

پاسخ: در حال حاضر از آلمان مستقیماً اسلحه‌ای به سوریه فرستاده نمی‌شود. تسلیحات به ترکیه و از آنجا به عربستان سعودی و بعد وارد سوریه می‌شوند. آلمان برای مثال صدها تانک جنگی به عربستان سعودی فرستاده است. در مجلس ما در باره صدور اسلحه به تک‌تک کشورهای عربی رای گیری کردیم و متأسفانه از احزاب دیگر هیچکسی با ما همصدا نشد و رای مخالف نداد. صدور اسلحه در هر حال تمی است که انسانها در آلمان برای این کار اصلاً تفاهم ندارند.

در حال حاضر کارزاری در آلمان در جریان است که از کلیسا گرفته تا چپ‌ها در آن فعال هستند و تلاش دارند ممنوعیت صدور اسلحه از آلمان را به کرسی بنشانند. بطور مشخص خواست این کارزار این است که صدور تانک‌های لئوپارت بلوکه شود و من هم می‌خواهم در این کارزار شرکت کنم.

پرسش: همچنین رسانه‌های بورژوازی روی صدور تسلیحات به عربستان سعودی متمرکز شدند. آیا این مسئله روی موضع سایر احزاب تاثیر گذاشت؟

پاسخ: از همه سو روی احزاب فشار وارد می‌شود. بخصوص روی حزب

سوسیال دمکرات و حزب سبزها. من تا کنون یک تغییر فکر واقعی ندیده ام زیرا که صنایع تسلیحاتی وزنه اقتصادی قوی در آلمان هستند. با این وجود ما تلاش می کنیم همچنان سایر احزاب را تحت فشار قرار بدهیم. مثلا از طریق همین کارزار ممنوعیت صدور اسلحه به سعودی.

پرسش: آیا بنظر تو امکانی وجود دارد که جنبش دمکراتیک سوریه را از آلمان پشتیبانی نمود؟

پاسخ: بله. اول اینکه ما باید صریح و روشن بر علیه دخالت نظامی و حمله نظامی به سوریه موضع بگیریم. افزون بر این ما با فراکسیون چپ مجلس اپوزیسیون چپ سوریه را دعوت کرده ایم و به آنها کمک کردیم تا در آلمان از مواضع خود دفاع کنند. من هم در همین روزها به مصر و تونس می روم تا تصویرری از نزدیک از اوضاع و توسعه انقلابی که در سال 2011 آغاز گشت را پیدا کنم و بتوانم صدای انقلابیون عربی در آلمان باشم. مسلما از امتیازات نمایندگی در مجلس در این راستا باید استفاده نمود و از طرف دیگر برگزاری تجمعات و جلسات بحث و گفتگو می تواند تصویرری درست از اوضاع درون سوریه را به افکار عمومی آلمان بدهد. با وجود اینکه در آلمان جنبشی بمانند جنبشی که بر علیه جنگ عراق و افغانستان وجود داشت، وجود ندارد اما باید دائما روی این تم کار کرد و نظر افکار عمومی را تغییر داد.

مرسی از مصاحبه شما.